خبر

قطع خط اعتباری انرژی واحدهای آجری و سیمانی

■ **ایسنا:** خط اعتباری واحدهای آجرسازی، فولادهای بزرگ و سیمان طبق برنامه‌ریزی‌های قبل از اول تابستان امسال قطع شد، اما خط اعتباری انرژی سایر واحدها همچنان ادامه دارد. رضا فاطمی‌امین، معاون برنامه‌ریزی وزیر صنعت، معدن و تجارت درباره خط اعتباری انرژی واحدهای سیمانی و آجری با بیان مطلب بالا از توافق با سازمان هدفمندی یارانه‌ها و کارگروه تحول اقتصادی به منظور اختصاص منابع بیشتری از اجرای هدفمندی یارانه‌ها به بخش صنعت و معدن خبر داد.

رییس هیات‌مدیره بورس کالا:

قیمت نفت خام بالاست خریداری ندارد

■ **ایسنا:** رییس هیات مدیره شرکت بورس کالای ایران معتقد است: بالا بودن قیمت نفت خام دلیل اصلی خریدار نداشتن محموله نفت خام در عرضه ششم بود. محمدرضا پورابراهیمی با تاکید بر اینکه قیمت بالا باعث می‌شود خریدار به معامله نفت خام ورود پیدا نکند، تاکید کرد: اصلی‌ترین دلیل معامله نشدن نفت‌خام در بورس کالا، قیمت پایه بالایی است که از سوی شرکت ملی نفت ایران به عنوان عرضه‌کننده اعلام می‌شود. او در پاسخ به این پرسش که آیا بالا بودن قیمت تنها دلیل نبود خریدار در عرضه ششم نفت خام در بورس کالاست؟ اظهار کرد: وقتی بازار متناسب با قیمت عرضه و تقاضا تنظیم شود، نحوه پرداخت وجه و تعداد بانک‌ها مشکلات قابل حلی هستند.

طرح احداث باغ‌شهرها متوقف شد

■ **فارس:** معاون عمران روستایی بنیاد مسکن از توقف طرح احداث باغ شهرها خبر داد و گفت: ایجاد باغ‌شهرها که از سوی دولت به بنیاد مسکن واگذار شده بود، به دلیل برخی ابهامات از سوی مجلس متوقف شد. محمدرضا شاملو افزود: ایجاد باغ شهر بخش خصوصی در مرحله اول نیز در دستور کار ما نبوده است؛ چرا که قرار بود روی یک‌سری اراضی فاقد کاربری و اراضی که روی آن کشاورزی نمی‌شود، در قالب باغستان‌ها و بر اساس مصوبه‌ای که در هیات وزیران داشت و شرح خدماتی که در شورای‌عالی شهرسازی مصوب شده بود، کار شود. معاون عمران روستایی بنیاد مسکن اضافه کرد: چون مصوبه دولت برای احداث باغ شهرها با یک سری ابهامات حقوقی از سوی مجلس روبه‌رو و اعلام شد، مغایرت‌هایی با قوانین دایمی دارد، این کار در حال حاضر متوقف شده است.

واکاوی دورافتادگی از توسعه (۱)؛ گفت‌وگو با حسن سبحانی

رانت و فقدان عقلانیت کمر توسعه را شکست

رضا غیبی

بحث تلخ

امروزه برخی از کشورهای «در حال توسعه» با پدیده «توسعه‌نیافتگی» مواجه هستند؛ یعنی همان پدیده‌ای که ایران نیز به رغم در اختیار داشتن سرمایه‌های طبیعی، پتانسیل انسانی و آشنایی تئوریک با روش‌های علمی و فنی جدید، آگاهی از تحولات اجتماعی، فرهنگی و سایر عوامل تاثیرگذار در توسعه با آن دست و پنجه نرم می‌کند. حسن سبحانی معتقد است ساختار جمعیت، ساختار تولید، ساختار صادرات و... در عدم توسعه‌یافتگی تاثیر غیرقابل انکاری دارد. به نظر وی وجود ساختار دوگانه و نبود یا کمبود پیوستگی بین بخش‌های مختلف اقتصاد، نارسایی جریان درآمد و سرمایه را موجب می‌شود و هریک از بخش‌های اقتصادی در یک حالت دورافتادگی، ناپیوستگی و عزلت قرار می‌گیرند، به طور منفک و مستقل تحول می‌یابند و توسعه اتفاق نمی‌افتد. در ادامه گفت‌وگوی ما با حسن سبحانی، استاد اقتصاد دانشگاه تهران را می‌خوانید. او درباره توسعه‌نیافتگی و تاثیرگذاری دخالت‌های دولت در اقتصاد، عدم بهره‌گیری از عقلانیت و استقلال در سازمان برنامه و عدم بهره‌گیری از برنامه مدون و نفرین منابع سخن گفته و دورافتادگی اقتصاد ایران از توسعه را تحلیل کرده است. پیش از این «شرق» در سلسله گفت‌وگوهایی، ماجرای فقر و نابرابری در اقتصاد ایران را واکاوی کرده بود. متن مصاحبه با سبحانی در ادامه آمده است.

■■■

توسعه‌نیافتگی یکی از معضلاتی است که کشورهای در حال توسعه از جمله ایران با آن دست به گریبان هستند و دولتمردان همواره سعی در حصول توسعه پایدار دارند. ارزیابی شما از تلاش‌های صورت گرفته در ایران برای نیل به این مهم چیست؟

توسعه اقتصادی معطوف به رشد اقتصادی مستمر و درون زا برای سال‌های متمادی است به گونه‌ای که این رشد قیمت اجازه می‌دهد با افزایش درآمد سرانه مردم همراه با کاهش تعداد فقرا در جامعه، بر رفاه عمومی هم افزوده شود. افزایش رفاه عمومی، زمینه‌های تغییر در عادات، نگرش‌ها و تلقی انسان از محیط پیرامونی را موجب می‌شود و به واسطه این تغییر گفته می‌شود که توسعه اقتصادی رخ داده است. ملاحظه می‌کنید که این شرایط برای یک دوره زمانی قابل اعتنایی در ایران رخ نداده است. بدیهی است که اقتضای توسعه اقتصادی هم با این شرایط درست نیست.

با توجه به ضرورت برخورداری از نظام برنامه‌ریزی مستقل و تدوین برنامه‌های هدفمند در این زمینه، آیا می‌توان این عدم موفقیت را ناشی از ناکارآمدی این بخش و زیر سایه سیاست قرار گرفتن اقتصاد دانست؟

با یادآوری این نکته که توسعه اقتصادی یک جریان کند است باید اشاره کرد که در جریان آن، همه عوامل انسانی اعم از دولت و بخش غیردولتی و البته فیزیکی دخالت دارند و در این میان به اعتقاد من، دولت باید نقش توسعه‌ای به خود اختصاص دهد. در ایران هم ناکارآمدی‌های بخش دولتی را داشته‌ایم که جلوه آن در این بحث برنامه‌ریزی یا سازمان برنامه‌ریزی است که اصولا و به غلط هر نوع حضور دولت در اقتصاد را با استناد به برداشت‌های نئوکلاسیک نفی می‌کرده است. بنابراین هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ اجرایی این سازمان، برنامه‌ریزی هدفمندی در کشور وجود نداشته یا با کارکردهای ناقص وجود داشته است. البته عوامل بسیار دیگری در این کارکرد غیربهینه سازمان برنامه‌ریزی قابل شمارش است. در جریان برنامه‌ریزی، دو پدیده همزمان با هم حضور دارند که بیش از آنها به اهداف و سیاست‌های برنامه برمی‌گردد که بخشی به نظام سیاسی و سیاسیون و دیگری به نظام اداری مربوط می‌شود که اشاره به کارشناسان دارد و مهم این است که سیاست‌گذاری و افراد سیاسی در امور اداری برنامه‌ها مداخله نکنند و اجازه دهند کارشناسان با پشتیبانی دانش خود برنامه‌ریزی کرده و آن را اجرا کنند. البته مشروط بر اینکه کارشناسان در حال‌وهوای بومی نفس بکشند. در جامعه ما، این استدلال همواره خدشه‌دار بوده و نظام سیاسی کشور در نظام اداری مداخله کرده است. در چنین فضایی، کارشناسان قبل از آنکه وام‌دار ارایه کارشناسی وظایف خود باشند، متاسفانه به تدریج ناچار شدند به رویکردهای سیاست‌ورزان در نظام اداری چشم بدوزند و این همان مانع موجود در توسعه اقتصادی یا دخالت سیاست در مدیریت اقتصادی است.

بحث دیگری که در چرایی دورافتادگی اقتصاد از توسعه مطرح می‌شود، استقلال مالی دولت است. این استقلال چه تاثیری در رفتار دولت و در نهایت اقتصاد گذاشته است؟

شاید موارد زیادی وجود داشته باشد که از جمله آنها می‌توان توسعه‌نیافتگی باشد. تغییر نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و رویکردها در پرتو توسعه رخ می‌دهد و ما نمی‌توانیم از جامعه توسعه‌نیافته انتظار کارکردهای توسعه‌یافتگی داشته باشیم. پشتیبانی دولت‌ها از طریق درآمدهای منابع طبیعی تجدیدناپذیر است که در مورد ما نفت جلوه می‌کند. در ادبیات اقتصاد گفته می‌شود، این کشورها مبتلا به نفرین منابع هستند. یعنی از یک طرف منابع دارند و از طرف دیگر به خاطر توسعه‌نیافتگی امکان بهره‌برداری درست از منابع را ندارند و چون مردم هم در چنین فضایی به میزان زیاد به دولت‌هایی که منابع را در اختیار دارند وابسته می‌شوند، بنابراین نظارت از سوی مردم و حتی نمایندگان مجلس بر دولت کم لن یکن می‌شود و دولت‌ها در غیاب پاسخ‌طلبی از ناحیه مردم و نمایندگان آنها ترجیح می‌دهند معنویات و صلاحدید خود را که بعضا مثبت هم هست به جای برنامه و در یک سیستم بلندمدت قرار گرفتن ترجیح دهند. البته ممکن است برخی مواقع اقدام مثبتی هم صورت گیرد اما لزوما همسو و تقویت‌کننده یکدیگر برای رشد اقتصادی و رسیدن به توسعه نیست. می‌شود گفت اگر بین توسعه و عمران تفاوت لازم را قایل شویم، کشور از درآمدهای نفتی تا حدودی ولو غیربهینه برای اهداف عمرانی استفاده کرده است. اما چون توسعه غیر از عمران است و به متغیرهای دیگری مثل زمینه‌سازی برای بسط مشارکت سیاسی مردم از طریق توسعه جذاب سیاسی، افزایش مشارکت‌های مردمی از طریق واگذاری اداره کشور به صورت غیرمتمرکز (آن‌طور که اصل شوراها در قانون اساسی می‌گوید)، انضباط مالی و دموکراسی‌هایی که در آن نظارت مجلس بیشتر از تولید قانون توسط مجلس ضرورت دارد، نیاز دارد. بنابراین پول نفت کمتر در مسیر توسعه و بیشتر در مسیر عمران و ساخت‌وساز به‌کار گرفته شده است.

آیا می‌توان انحراف از برنامه‌های توسعه‌ای و برداشت غلط از عمران و توسعه را محصول عدم بهره‌گیری از عقلانیت در برنامه‌ریزی‌ها و اخراج کارآمدی بعد از وقایع سال ۵۷ دانست؟

در توسعه‌نیافتگی فقدان عقلانیت هم منظور نظر است که متوجه همه کشورهای در حال توسعه است اما می‌پذیریم که ما برنامه‌های توسعه‌ای را تنظیم کردیم که در آنها برنامه‌ریزان تلقی درستی از توسعه نداشته و اقتصاد و جامعه ایران را به خوبی نمی‌شناختند. برنامه‌های سوم تا پنجم توسعه کشور را که بررسی کنید، می‌بینید مجموعه فراوانی از مواد قانونی در عرصه‌های مختلف تصویب شده است و به عبارتی برنامه‌ها به جای جست‌وجوی اولویت‌های معین و کم، در واقع مجموعه قوانین هستند، به عبارت دیگر تلقی از برنامه‌ریزی، قانون‌نویسی بوده است. با توجه به این نکته دورافتادگی اقتصاد از مسیر توسعه در همان موقع تدوین لایحه و تصویب رخ داده است. بخش عمده این پدیده مخرب می‌تواند به فقدان نظام کارشناسی برگردد که برای برنامه‌ریزی لازم بوده که به هر دلیلی به کار گرفته نشده است، بنابراین می‌توان نبود عقلانیت در برنامه‌ریزی و فرار مغزها را در این مقوله سهیم دانست که موجب شده نظام کارآمدی در برنامه‌ها به‌کار گرفته نشود.

یکی دیگر از مواردی که پیرامون این موضوع مطرح می‌شود رانتیر شدن دولت‌ها به واسطه استقلال مالی است. این نکته چه تاثیری در توسعه‌نیافتگی داشته و آیا می‌توان گفت درآمدهای نفتی بیشتر صرف هزینه حفظ دولت‌ها در قدرت شده است تا توسعه کشور؟

با مجموعه ادبیاتی که از طرف برخی از تحلیل‌گران تجربی در خصوص رانتیر بودن دولت‌های دنیا در مسایل توسعه شده، لااقل در ایران بعد از انقلاب اسلامی موافق نیستم. ضمن اینکه در فضای کارشناسی و حتی در فضای پارلمانی، یعنی ۱۲ سالی که در مجلس بودم، معتقد هستم کارکرد دولت‌ها بسیار بهتر از کارکرد کنونی می‌توانست باشد. اما هیچ دولتی را به عنوان رانتی به این معنا که پول نفت را برای حفظ خود به‌کار گرفته، قبول ندارم. اما بعضی دولت‌ها بعضا پول نفت را در حوزه‌هایی به‌کار گرفته که اولویت کشور نبوده و این اقدام از برداشت غلط از واقعیت‌های کشور است. نه معطوف به حفظ خود در قدرت. در اقتصاد بزرگی مثل اقتصاد ۷۵ میلیون نفری ایران موارد استثنایی هم پیدا می‌شود که حکایت از رانت دارد. این موارد قطعا استثنا بوده و قاعده نیست، به‌طور قطع می‌توان گفت سرعت حرکت به سمت توسعه در ایران کمتر است و با اینکه دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز در طلیعه صدور آن سند واقع‌بینانه به نظر می‌رسد اما رشد کند اقتصادی در سال‌های اخیر تا حدودی حصول اهداف سند را با تردید مواجه کرده است. مگر اینکه ما تلقی خود از توسعه و اداره کشور را عوض کرده تا در باقی‌مانده سال‌هایی که برای رسیدن به اهداف داریم از طریق جبران نرخ رشد کندی که داشته‌ایم، عقب‌ماندگی موجود را جبران کنیم.

یکی از ایرادهایی که کارشناسان و تحلیل‌گران اقتصادی به دولت فعلی وارد می‌دانند نگاه هزینه‌ای به درآمدهای نفتی و عدم اجرای قانون برنامه چهارم توسعه است. تاثیر این عملکرد دولت در کندی رشد اقتصادی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

واقع بینانه که نگاه می‌کنیم در شش‌سال گذشته حرکت اقتصادی کشور قابل دفاع نیست، چراکه دوره اجرایی سند چشم‌انداز از سال ۱۳۸۴ آغاز شد و از قضا و تصادفا شروع دوره با شروع دولت احمدی‌نژاد بوده است. این همزمانی باعث این قضاوت می‌شود وگرنه بدین معنا نیست که دولت‌های دیگر مشکل نداشته‌اند. مشکلات ما، مشکلات ساختاری است و به نوع دولت‌ها برنمی‌گردد به‌طوری که تمامی دولت‌ها درگیر این مشکلات بوده‌اند. البته دولت فعلی در تاخیر ایجاد شده در پیش‌برد برنامه‌های سند چشم‌انداز مقصر اصلی شناخته می‌شود، چراکه به گفته دولت، برنامه چهارم توسعه که اولین گام از چهار گام سند چشم‌انداز بود، توسط دولت دیگری نوشته شده و اهداف آن مورد قبول نبود. این موضوع زمان تدوین برنامه چهارم هم مطرح شد و به اعتقاد بسیاری از کارشناسان رویکرد برنامه چهارم به توسعه مناسب با اوضاع و احوال ایران نبود اما این موضوع که محل ادعای دولت برای توجیه اجرایی نشدن برنامه چهارم توسعه بود باید اثبات می‌شد. این موضوع دلیل آن نمی‌شد که دولت جدید آن را اجرا نکند. دولت باید از فرصت موجود برای اصلاح برنامه و از همراهی مجلس با دولت استفاده می‌کرد و نواقص موجود و موارد انتقادی خود را برطرف می‌کرد تا به جای محکوم به توقف شدن برنامه چهارم به اصلاح آن همت گمارده می‌شد.

اینجا

سازمان حسابرسی درباره اختلاس سه هزار میلیارد تومانی:

عمده اختلاس‌ها برای سال ۸۹ بود
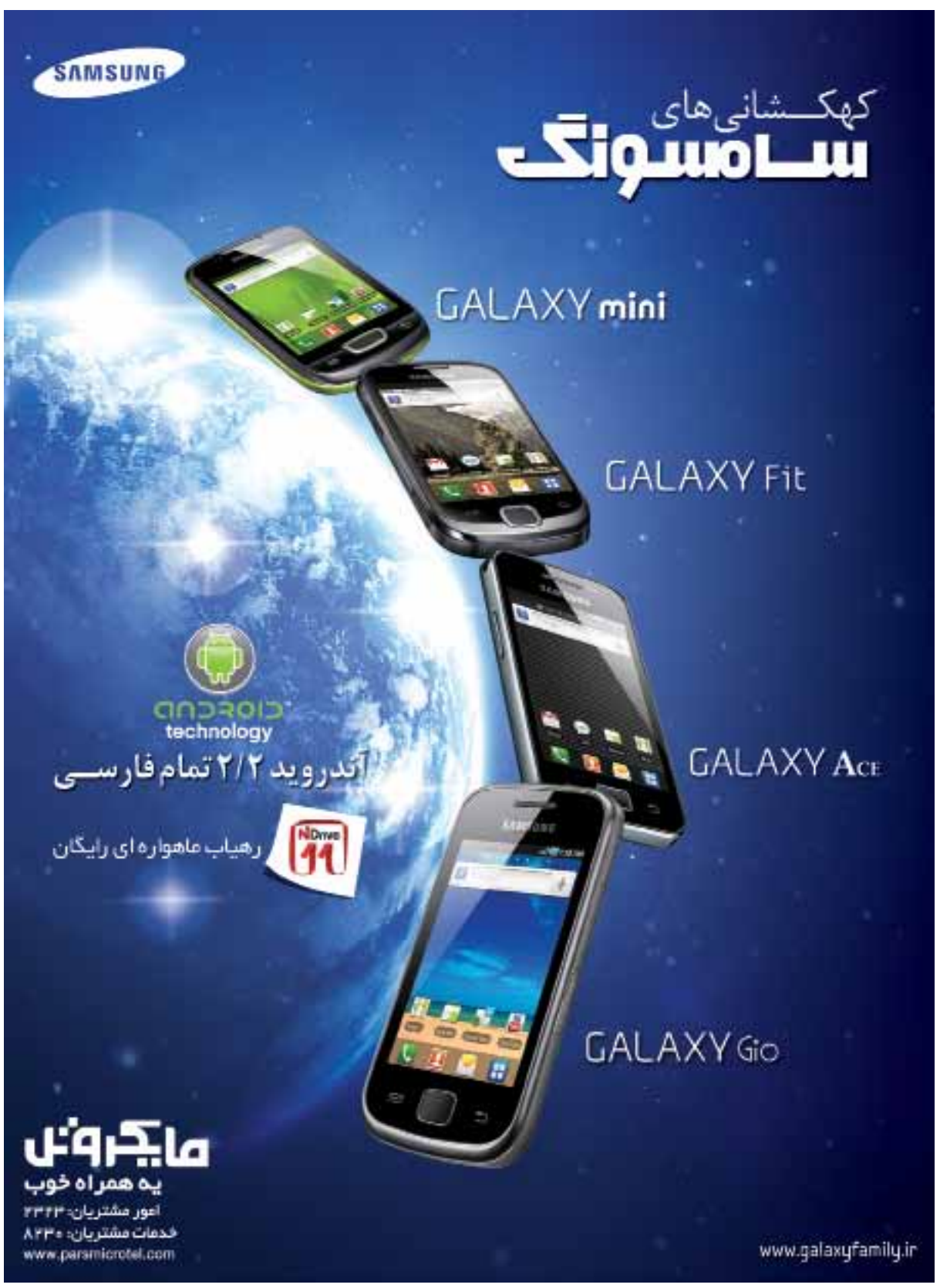
■ رییس سازمان حسابرسی با اعلام چگونگی اختلاس بانکی حدود سه‌هزارمیلیارد تومانی، این حجم از اختلاس را بی‌سابقه دانست و گفت: در این اختلاس‌ها که عمده آن در سال ۸۹ و امسال رخ داد، نمی‌توان یک بانک را مقصر اعلام کرد و این موضوع به بررسی‌های قضایی نیاز دارد. اکبر سهیلی‌پور، رییس سازمان حسابرسی که مسوولیت حسابرسی این بانک و دیگر بانک‌ها و حدود هزار شرکت دیگر را بر عهده دارد، در گفت‌وگو با فارس، چگونگی این اختلاس بی‌سابقه را اعلام کرد اما گفت نمی‌توان فقط بانک صادرات یا هفت بانک دیگر را مقصر دانست و این موضوع باید توسط دستگاه قضایی بررسی و اعلام شود. سهیلی‌پور ادامه داد: از قرار معلوم شخصی که مرتکب این اختلاس شده از طریق یکی از شعب بانک صادرات و با گرفتن مشاوران و کارشناسان بانکی اقدام به تهیه اعتبار اسنادی خارج از عرف بانکداری، خارج از سیستم نرم افزاری بانک و حدود اختیارات و بدون ثبت در دفاتر و مسوولیت شعبه، البته با دادن رشوه یک میلیارد تومانی به رییس شعبه می‌کند. در حالی که طبق اعلام بانک صادرات برای صدور اسناد اعتباری بیش از دومیلیارد تومان باید تاییدیه مرکز هم دریافت می‌شد. به هرحال شخص اختلاس‌کننده با دریافت این اسناد اعتباری اقدام به واگذاری و تنزیل در هفت بانک دیگر کرده و در سر رسید هم با گرفتن اعتبار بیشتر نسبت به تسویه اسناد قبلی اقدام می‌کرد و به همین دلیل حجم اختلاس به سه‌هزار میلیارد تومان رسیده است. وی افزود: با بررسی شماره سریال قراردادها و همچنین بررسی و تحلیل حجم اعتبارات و تناسب میزان کارمزدها، کارکنان و مسوولان بانک صادرات متوجه این موضوع می‌شوند. عمده این قضیه هم در سال مالی ۸۹ و جاری رخ داده که به دلیل جعل و تبانی عدم انعکاس رویدادها در دفاتر و عدم دریافت اطلاعات توسط سازمان حسابرسی، بعد از رخ دادن آن متوجه شدیم. رییس سازمان حسابرسی تصریح کرد: مرتکب این اختلاس بعد از تاسیس بانک آریا از طریق آورده نقدی ۱۰درصدی خود و منابع مالی مردمی و دیگران، اقدام به خریداری شرکت‌هایی مانند فولاد خوزستان، تراورس و اکسین می‌کند. در این میان با بریزوبپاش‌هایی هم که در شرکت فولاد خوزستان کرده موجب گرفتاری‌های بیشتری شده است. وی گفت: با توجه به نوع عمل اختلاس‌کننده و پیچیدگی‌هایی که در آن وجود دارد و همچنین جعلی بودن اعتبار و نیز نقش سایر بانک‌ها برای تامین، آثار مالی آنها بر صورت‌های مالی بانک صادرات باید ابتدا حکم قضایی اخذ و سپس در مورد آثار مالی آنها نسبت به صورت‌های مالی بانک مذکور تصمیم‌گیری شود.